

## امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی‌سازی: جستاری در مورد انگاره‌های جهانی‌شدن در ایران باستان

حسن کریمیان<sup>1\*</sup>، نیلوفر مقیمی<sup>2</sup>

(تاریخ دریافت: 92/5/1، تاریخ پذیرش: 93/8/7)

### چکیده

"جهانی‌شدن" یکی از تأثیرگذارترین اندیشه‌های فلسفی بر نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی کشورها و ملل مختلف بر مبنای یک‌پارچه‌سازی جوامع بین‌المللی در عصر نوین است. بیشتر پژوهشگران، آغاز جهانی‌شدن را به بعد از عصر رنسانس نسبت می‌دهند، حال آنکه با اندکی تأمل در اندیشه‌های فلسفی و مفاهیم اسطوره‌ای تمدن‌های باستان، می‌توان ریشه و خاستگاه این پدیده را، البته نه به معنای کاملاً مدرن و امروزی، در آن ادوار جست‌وجو کرد. بدون تردید، امپراتوری ساسانیان، که 427 سال (651 - 224 م) در عرصه‌ی مبادلات سیاسی جهان نقش‌آفرینی کرده‌اند، را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین و مقتدرترین حوزه‌های فرهنگی تمدن‌های جهان باستان دانست که به‌طور مستقیم، متأثری از نظرها فیلسوفان زرتشتی اداره می‌شد. بنیانگذار این امپراتوری (اردشیر پاپکان: 241-224 م) در پاسخ به این پرسش که چرا در مقابل ولی‌نعمت خود (اردوان پنجم - اشکانی) قیام کرده، می‌گوید: "تا جهان را یک‌خدایی کنم".

\*hkarimi@ut.ac.ir

1. دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اینک، این پرسش را می‌توان طرح کرد که آیا این امکان هست که تلاش اردشیر برای ایجاد جهانی تحت حاکمیت یک خدا - که با اقدامات عملی و تلاش‌های گسترده‌ای در تحقق این خواسته همراه بود- را نخستین گام در جهانی‌سازی به‌شمار آورد؟ فرض بر آن است که اندیشه‌ی جهانی‌شدن بالغ بر هزار و هشتصد سال قبل در تفکرات موبدان عالی‌رتبه، زرتشتی پرورش یافته و اردشیر اول ساسانی آن را اجرایی ساخته است. در پژوهش حاضر، تلاش بر آن است تا با اتکا به متون کهن و اسناد باستان‌شناسانه نخستین رگه‌های اندیشه‌ی جهانی‌شدن و اقدامات عملی شاهان ساسانی در تحقق این تفکر، بررسی شود بدین‌منظور، تعدادی از شواهد تاریخی و باستان‌شناسانه‌ی عصر ساسانیان را که نشان دهنده‌ی فرضیه‌ی پژوهش باشند، در چارچوب نظری اندیشه‌های جهانی‌شدن و جهان‌وطنی، به بحث کشیده خواهند شد. از اندیشه‌ی جهان‌وطنی، که ریشه در دوران باستان دارد، به‌منظور ارتباط‌دادن مفاهیم امروزی جهانی‌شدن با اندیشه‌های جهان باستان استفاده شده است. در نتیجه‌ی پژوهش حاضر روشن شد که اندیشه‌ی جهان‌وطنی و جهانی‌شدن، نزدیک به دوهزار سال قبل در ایران مطرح و توسط شاهان ساسانی اقداماتی عملی در تحقق آن نیز انجام شده است.

**واژگان کلیدی:** جهانی‌شدن، جهان‌وطنی، امپراتوری ساسانی، حقوق بشر، دین زرتشت.

## 1. مقدمه

به‌نظر می‌رسد که مباحثی همچون "جهانی‌شدن" و "جهانی‌سازی" نمی‌توان را بدون بررسی پیشینه‌ی تاریخی این مفاهیم، به‌درستی درک کرد؛ از این‌روی، نخستین پرسشی که می‌توان طرح کرد این است که جهانی‌شدن چرا و چگونه، از چه زمانی و در کدام بستر تاریخی پدید آمد؟ اختلاف صاحب‌نظران در مفهوم جهانی‌شدن و تردید در مورد اصالت آن، موجب بروز تعارضاتی در خصوص تاریخچه و زمینه‌ها و علل و عوامل پیدایش و گسترش جهانی‌شدن شده است؛ برای نمونه، درحالی‌که برخی، جهانی‌شدن را پدیده‌ای کاملاً جدید و مربوط به فرایند مدرنیته می‌دانند (Robertson, 1992: 2-5)، گروهی دیگر آن را به مقتضیات دوران پست‌مدرنیسم پس از دهه‌ی 1970 میلادی (Harvey, 1989) و اواخر قرن نوزدهم (Chase-

امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی‌سازی: ... حسن کریمیان و همکار

(Dunn, 2003) مرتبط می‌سازند. افرادی نیز ریشه‌ها و پیشینه‌ی این پدیده را به دوران باستان ارجاع می‌دهند و حتی از زمینه‌های اساطیری آن سخن می‌گویند (Thompson, 1999).

شاید بتوان زمینه‌های اندیشه‌ی «تاریخ واحد بشریت» را در اساطیر باستانی و به‌ویژه، آموزه‌های ادیان الهی جست‌وجو کرد. برای نمونه، باور به منشأ واحد نژادهای آدمی و داستان آفرینش آدم می‌تواند به‌منزله‌ی یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های پیدایش آرمان وحدت بشر و به‌تبع آن، اندیشه‌ی تشکیل حکومت واحد جهانی در نظر گرفته شود. بر چنین زمینه‌هایی جریان تاریخ بشری به‌منزله‌ی یک کل واحد در نظر گرفته می‌شد و به همین دلیل بود که تاریخ‌نگاری توراتی و مسیحی و اسلامی (قرآنی) زمینه‌ای مناسب برای قالبی خاص در تاریخ‌نگاری فراهم آورد که آن نگارش تاریخ عمومی برپایه‌ی مفهوم تاریخ جهانی است (مشیرزاده، 1384: 187).

علی‌رغم اینکه بیشتر اندیشمندان غربی که در مبحث جهانی‌شدن نظریه‌هایی را مطرح کرده‌اند، پیشینه‌ی آن را در نهایت به قرن شانزدهم میلادی (عصر رنسانس و انقلاب صنعتی) رسانده‌اند و روند این اندیشه را همچنان در حال اجرا می‌دانند، این پرسش مطرح است که اساساً این پدیده را باید به پس از عصر رنسانس مرتبط ساخت، یا اینکه در سده‌ها و بلکه هزاره‌های قبل از رنسانس این تفکر مطرح بوده و به اجرا درآمده است؟ اگرچه برخی از پژوهشگران نظیر آندره گوندر فرانک<sup>1</sup> (1998)، گراهام تامسون<sup>2</sup> (2006)، رولند رابرتسون<sup>3</sup> (1992) و رابرت جکسون<sup>4</sup> (1388) با استناد به تفکر "دولت‌شهرها" در یونان و روم باستان، غرب را خاستگاه تکامل جامعه‌ی بین‌الملل دانسته‌اند، کم‌ترین توجهی به تمدن‌های شرقی و به‌ویژه، امپراتوری‌های قدرتمند ایران باستان، مبدول نشده است؛ از این‌رو، پرسش اصلی دیگری مطرح است که آیا امپراتوران ایران باستان و به‌ویژه شاهنشاهان ساسانی، اندیشه‌های جهانی‌شدن را در سر می‌پرورانده‌اند؟ در صورت وجود چنین اندیشه‌ای، از چه مدارک تاریخی و باستان‌شناختی می‌توان برای اثبات آن بهره جست؟

فرض، بر آن است که اندیشه‌های جهانی‌شدن، نه به‌معنای امروزی آن و بر پایه‌ی تحولات فناورانه‌ی دنیای معاصر، در ایران باستان و به‌ویژه در اندیشه‌ی حکمرانان ساسانی بوده است. فرض دیگر، آن است که امپراتوران ساسانی را می‌توان از پیشگامان این اندیشه به‌شمار آورد و

مظاهر آن را می‌توان در شواهد باستان‌شناختی و متون تاریخی نظیر سنگ‌نگاره‌ها، کتیبه‌ها، کتب بازمانده از این عصر و جز این‌ها جست‌وجو و بازشناسی کرد. هدف اصلی این نوشتار، بررسی مفهوم اندیشه‌ی جهانی‌شدن و پیگیری شواهد اجرای این اندیشه در عصر ساسانیان است. در مسیر به این هدف، ضمن بررسی شواهد مؤید فرضیات پژوهش حاضر و تبیین اقدامات عملی پادشاهان ساسانی، تلاش خواهد شد تا به پرسش‌های مطروحه‌ی فوق، پاسخ گفته شود. بدین منظور، با اتکاء به منابع مکتوب، ابتدا نظریه‌ها و مفاهیم مربوط به دیدگاه جهانی‌شدن مطرح و آن‌گاه، مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناختی مربوط به دوره‌ی ساسانی بررسی شده است. در پایان، با مقایسه‌ی این مدارک و قراردادن آن‌ها در چارچوب نظری جهانی‌شدن، سعی شده است که فرضیات پژوهش، ارزیابی شوند.

## 2. مبانی نظری پژوهش

جهانی‌شدن، که در دهه‌ی 1990 به یکی از پرکاربردترین اصطلاحات سیاسی تبدیل شد، بیانگر تغییر مهمی است که در جهان در حال رخ‌دادن است. صفت «جهانی»<sup>5</sup> به‌منظور فراگرفتن یا تأثیر‌گذاردن بر کلیت به‌هم پیوسته‌ی جهان بشری مورد استفاده قرار گرفت. واژه‌هایی همچون «جهانی‌کردن»<sup>6</sup> و «جهان‌گرایی»<sup>7</sup> نیز در سال 1994 در متون تخصصی ظاهر شدند (شولت، 1388: 49). درحالی که عبارت «جهانی‌شدن»<sup>8</sup> برای نخستین‌بار در سال 1961 به‌عنوان یک اسم، وارد فرهنگ لغات شد (رایزر و دیویس، 1944: 312). به‌طور خلاصه، جهانی‌شدن را می‌توان در گرایش‌های نظری مختلفی نظیر لیبرالیستی، رئالیستی، مارکسیستی، جامعه‌شناختی بررسی کرد. نظریه‌پردازان لیبرال مانند دیوید هلد،<sup>9</sup> مک‌گرو،<sup>10</sup> رابرت کوهن،<sup>11</sup> جوزف نای،<sup>12</sup> کینچی اوهمای،<sup>13</sup> گسترش جهانی‌شدن را دگرگونی تدریجی همراه با گسترش لیبرال دموکراسی می‌دانند. نظریه‌پردازان رئالیستی مانند کنت والتز،<sup>14</sup> رابرت گیلپین،<sup>15</sup> استفان کرزنر،<sup>16</sup> گراهام تامپسون،<sup>17</sup> وجود پدیده جهانی‌شدن یا نوین بودن آن را به‌دیده‌ی تردید می‌نگرند. از دیدگاه مارکسیستی، متفکرانی چون سمیر امین<sup>18</sup> و امانوئل والرشتاین<sup>19</sup> جهانی‌شدن را گسترش نظام استثمارگر سرمایه‌داری می‌دانند (رمضان‌زاده و مسعودی، 1388: 113). از دیدگاه

امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی‌سازی: ... حسن کریمیان و همکار

جامعه‌شناختی، افرادی چون آنتونی گیدنز<sup>20</sup>، مارتین آلبرو<sup>21</sup> و رولند رابرتسون جهانی‌شدن را در جوهر پدیده‌های اجتماعی و عامل تغییر در بنیادهای زندگی جوامع بشر می‌دانند (سلیمی، 1384: 3).

جهانی‌شدن (نظریه‌ی نظام جهانی) را می‌توان گسترده‌ترین تلاش نظری متأثر از جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل دانست که مبانی نظری آن از دیدگاه والرشتاین، جامعه‌شناس آمریکایی، سرچشمه می‌گیرد (مشیرزاده، 1384: 175). والرشتاین اصلی‌ترین نیروی محرکه‌ی جهانی‌شدن را «اقتصاد جهانی سرمایه‌داری» می‌داند و معتقد است که این اقتصاد، اکنون بستر اجتماعی جهانی را ساخته و دیگر جنبه‌های زندگی، از جمله سیاست و فرهنگ را نیز تعیین می‌کند (گل محمدی، 1381). از دیدگاه او اقتصادهای جهانی در طول تاریخ، ساختارهای بی‌ثباتی بودند که یا تجزیه می‌شدند یا گروهی، آن‌ها را فتح کرده و به یک امپراتوری جهانی تبدیل می‌کرد. تمدن‌هایی نظیر روم، چین و مصر به این ترتیب، شکل گرفتند. وی اقتصاد جهانی مدرن را، که در اروپای قرن شانزدهم شکل گرفت، تنها اقتصادی می‌داند که در طول تاریخ، به نسبت، باثبات مانده است. این اقتصاد، که به صورت سلطه‌ی تجارت بازار بود، در نظام جهانی جدید جایگزین فئودالیسم شد و به نظام سرمایه‌داری مشهور شد و اکنون کاملاً جهان‌شمول است (Wallerstien, 1976: 229).

از نظر جن آرث شولت<sup>22</sup>، واژه‌ی جهانی‌شدن، پنج کاربرد متفاوت بین‌المللی شدن<sup>23</sup>، آزادسازی<sup>24</sup>، جهانی‌گرایی، غربی‌سازی<sup>25</sup> و قلمرو زدایی<sup>26</sup> دارد. وی به بررسی مفاهیم این واژه‌ها می‌پردازد و کاربرد مفهوم آخر (قلمروزدایی) را منطبق با جهانی‌شدن عنوان می‌کند. او "بین‌المللی‌شدن" را به معنای گسترش تعاملات فرامرزی و وابستگی متقابل کشورها و "آزادسازی" را نیز به معنی رفع محدودیت‌های دولتی از نقل و انتقال بین کشورها به منظور ایجاد اقتصاد آزاد و یک‌پارچه‌ی جهانی می‌داند. او جهانی‌شدن با مفهوم "جهانی‌گرایی" را به معنی القای اهداف و برنامه‌های خاص به مردم سراسر جهان، تعریف کرده و "غربی‌سازی"، که به ویژه توسط منتقدان امپریالیسم فرهنگی به کار می‌رود، را به معنای تلاش برای غربی‌کردن جهان دانسته است. از نظر او، "قلمروزدایی" به معنی تلاش در جهت کم‌اهمیت ساختن فواصل

و مرزهای جغرافیایی دانسته شده و معتقد است که در این فرایند، روابط اجتماعی از قلمرو جغرافیایی خارج و به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که گویا انسان‌ها در یک مکان واحد (جهان) زندگی می‌کنند (شولت، 1388: 49-50).

محققان دیگری نظیر آنتونی گیدنز نیز جهانی‌شدن را به‌مثابه افزایش و تقویت روابط اجتماعی در گستره جهان تعریف می‌کنند (Giddens, 1990). مارتین آلبرو و الیزابت کینگ<sup>27</sup>، دیوید هلد و مک‌گرو نیز جهانی‌شدن را فرایندهای دگرگونی در فضای سازمان‌های روابط و انجمن‌های اجتماعی می‌دانند که وسعت، عمق، سرعت و میزان تاثیرگذاری‌های متفاوتی دارند و مردم جهان را در یک جامعه‌ی واحد قرار می‌دهند (Albrow and King, 1990; Held, 1999). بارتلسون میزان دگرگونی در سازمان‌های روابط اجتماعی را با سه مفهوم انتقال<sup>28</sup>، تحول<sup>29</sup> و فرآوری<sup>30</sup> توضیح می‌دهد. در مفهوم اول (انتقال)، یعنی ماهیت نظام همچنان مبتنی بر واحدهای فرهنگی و اقتصادی محلی و ملی است و در مفهوم دوم (تحول) کلیت مرزبندی‌ها و تعاملات انسانی دچار دگرگونی می‌شوند. جهانی‌شدن سبب فرآوری منجر به تغییر شرایط وجودی واحدها و شبکه‌ای شدن هویت و قدرت در عرصه‌ی جهانی می‌شود (Bartelson, 2000: 90-284).

### 3. تاریخچه: سرآغاز و تطور اندیشه

در مورد زمان شکل‌گیری و تعیین آغاز روند جهانی‌شدن نظام جهانی همه‌ی نظریه‌پردازان این حوزه وحدت نظر ندارند. سمیر امین، کم‌وبیش مانند والرشتاین، آغاز آن را به قرن شانزدهم میلادی رسانده و معتقد است که جوامع قبل از سرمایه‌داری از هم جدا نبوده‌اند و نظام‌های ماقبل از این دوران نیز تحت سلطه‌ی سیاسی و ایدئولوژیک قرار داشتند و در درون نظام‌های منطقه‌ای و حتی در درون نظام جهانی شرکایی رقیب به‌شمار می‌آمدند (Amin, 1993, 1996). در مقابل، آندره گوندر فرانک و ویلیامسون معتقدند که روند جهانی‌شدن سابقه‌ای بسیار طولانی‌تر دارد؛ زیرا تمام ویژگی‌های معرف نظام جهانی معاصر، نظیر انباشت سرمایه، ساختار مرکز-پیرامون، هژمونی<sup>31</sup> و رقابت، چرخه‌های اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت و نمونه‌های فراوان دیگری در گذشته نیز وجود داشته است (Frank, 1998; O'Rourke and Williamson, 2002). ایشان

امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی سازی: ... حسن کریمیان و همکار

همچنین در تقابل با نگاه اروپامدارِ والرشتاین معتقدند که به جای تمرکز بر اروپا و تحولات آن باید نگاهی غیراروپامدارانه داشت و به کل تاریخ بشری نگرست (مشیرزاده، 1386: 186). برخی از پژوهشگران، نظیر گمبل، ابتدای مهاجرت بین قاره‌ای انسان که با اولین دریانوردی‌ها در سطح کره‌ی زمین (1552 میلادی) آغاز شد را مبدأ جهانی شدن می‌دانند (Gamble, 1995) و برخی از اندیشمندان نیز ظهور اولین ادیان جهانی (500 پ.م) را سرآغاز جهانی شدن معرفی می‌کنند (برای مطالعه‌ی دیدگاه این اندیشمندان بنگرید به شولت، 1388: جدول 1-2). جان کلام آنکه، بیشتر پژوهشگران پدیده‌ی جهانی شدن را از قرن شانزدهم میلادی فراتر نمی‌برند و استدلال آن‌ها عموماً بر رخداد‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پس از قرن شانزدهم میلادی همچون به وجود آمدن اتحادیه‌ی بین‌المللی تلگراف، طرح هماهنگ‌سازی وقت در سطح جهان نسبت به ساعت گرینویچ، تأسیس سازمان ملل متحد، تشکیل نهادهای مالی بین‌المللی، شکل‌گیری اعتراضات ضدجهانی شدن و مخالفت با نهادهای اقتصادی استوار است.

به‌هر روی، مفهوم جهانی شدن که به‌طور خاص از اواخر دهه‌ی 1980 در ادبیات علمی جهان مطرح شد، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به حرکت روبه‌رشد خود ادامه داد و بعد از 11 سپتامبر، به‌زعم برخی دچار تطور شد و به‌زعم برخی دیگر تداوم یافت (رمضان‌زاده و مسعودی، 1388: 112). هلد و مک‌گرو به چهار موج نظری، تاریخی، نهادی و شالوده‌شکنانه در سیر تحول مفهوم جهانی شدن اشاره کرده و آخرین موج را نقطه‌ی عطفی در این تحولات می‌دانند (Held and McGrew, 2007: 5-6).

به‌هرحال، آن‌چنان‌که تعدادی از پژوهشگران، مفاهیم امروزی جهانی شدن را با اندیشه‌های جهان‌وطنی<sup>32</sup> در جهان باستان مرتبط می‌سازند، در ادامه‌ی تلاش می‌شود با تکیه بر دیدگاه جهان‌وطنی در اندیشه‌های پادشاهان ساسانی مستندات پشتیبانی ساسانیان در طرح نظریه‌ی جهانی شدن و اجرای آن در ایران باستان مورد بحث واقع شود.

#### 4. ساسانیان پیشگامان جهانی سازی

از آنجایی‌که دیدگاه‌های جهانی شدن در دنیای باستان را می‌توان تحت اندیشه‌ی فلسفی جهان‌وطنی<sup>33</sup> مورد بحث قرار داد، در مقدمه و به ایجاز، این مفهوم بررسی می‌شود و آنگاه مستندات مطرح خواهد شد که در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، به‌کار آیند.

نظریه‌ی "جهان‌وطنی"، به یک حکومت جهانی<sup>34</sup> می‌اندیشد و در آن فرد به کشور، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سنت خاصی وابستگی ندارد (Appiah, 1997: 620; Appiah, 2010). پیروان دیدگاه جهان‌وطنی، جهان را تنها تحت یک حکومت واقعی، که حکومت خداست می‌دانند و معتقدند که روابط اجتماعی - اقتصادی افراد، براساس فرهنگ مدنی شکل می‌گیرد (Held, 2002: 307). دین، یکی از عوامل انسجام‌دهنده‌ی جهان‌وطنی و جهان‌شمولی است. همچنان‌که توماس لوکمان<sup>35</sup> معتقد است، دینی که بتواند به نهادهای سیاسی جامعه وارد شود و در ساختار اجتماعی اشاعه یابد (Luckmann, 1988: 13) می‌تواند در شکل‌یابی اندیشه‌های جهان‌وطنی موثر واقع شود.

اگرچه تفکر جهان‌وطنی ابتدا در فلسفه‌ی رواقیون<sup>36</sup> مطرح شد و در امپراتوری روم شکوفا و زمینه‌ی بلندپروازی‌های حکمرانان روم را فراهم ساخت (کاپلستون، 1388: 435)، به دلیل وجود رگه‌هایی از مذهب زرتشتی در آن<sup>437</sup>، می‌توان پذیرفت که این مشرب فکری نیز تحت نفوذ نظریات فلسفی و مذهبی پیامبر بزرگ ایرانیان (زرتشت) شکل یافته باشد. شایان ذکر است که شواهد باستان‌شناسانه، رونق مذهب زرتشت را دست‌کم در روزگار حکمرانی مادها (550-678 پ.م.)، یعنی سه قرن قبل از ظهور رواقیون، به اثبات رسانده است<sup>38</sup>.

علی‌رغم تلاش گسترده‌ی امپراتوران هخامنشی در استیلا بر تمدن‌های بزرگ جهان، شواهد چندانی از دخالت تفکرات فلسفی "جهانی‌شدن" در اقدامات آن‌ها قابل دسترسی نیست. احتمالاً این بدان سبب است که آن‌ها به هیچ‌روی درصدد تحصیل تفکرات فلسفی و مذهبی به مردمان سایر نقاط جهان بر نیامده‌اند. منشور کوروش بهترین سند در اثبات این مدعاست. این تفکرات، همچنین نمی‌توانست در اندیشه‌های فلسفی پادشاهان اشکانی جایی بیابد؛ زیرا آن‌ها نوعی حاکمیت ملوک‌الطوایفی و تنوع مذاهب را پذیرفته بودند و کوشش موبدان زرتشتی نیز

---

3. نخله‌ای از تفکر فلسفی یونان باستان است که توسط زنون اهل کیتیون جزیره‌ی قبرس (270-342 پ.م) بنیان‌گذاری شد. فلسفه‌ی رواقیون به‌طور کلی، این بوده است که دانا (خردمند) باید در شهر زندگانی کند؛ اما شهر او محدود به دیوار و مرز نیست و این شهر خدایی که حقیقت و دادگری در آن فرمانروایی می‌کند، خود جهان است؛ جهان شهر خداست و خردمند باید بکوشد حق و دادگری در این شهر برقرار شود (پبین، 1377: 228-230).

4. رواقیون نیز همانند زرتشتیان به خدای یگانه‌ای که در آتش ازلی نمایان می‌شد، عقید داشتند. آتشی که از آن، همه‌چیز جهان و از جمله روان انسان، که به عقیده‌ی برخی از آن‌ها جاودانی است، به‌وجود آمده است (پبین، 1377: 228-230).



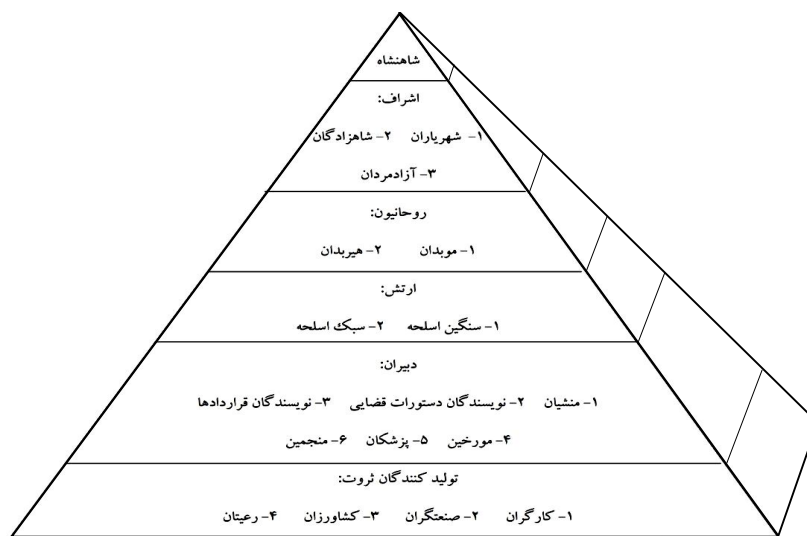
امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی‌سازی: ... حسن کریمیان و همکار

برای ایجاد مذهب واحد در کشور بی‌فایده به‌نظر می‌رسید (Neusner, 1994: 244-245; Keall, 1963: 1351). دیاکونوف، (1963).

دوره‌ی ساسانیان در تاریخ ایران و شرق اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا علاوه بر ایجاد دولت متحد و نیرومند که چهارصد سال (224 تا 651 م) بر قسمت بزرگی از جهان حکومت کرد؛ تأثیرات فرهنگی آن نیز تا قرن‌ها پس از سقوط این امپراتوری استمرار یافته است (زرین‌کوب و زرین‌کوب، 1381: 1-2). آن‌چنان‌که از کتیبه‌ها و متون برجای‌مانده از ساسانیان، همچون کارنامک اردشیر پاپکان، خدای‌نامک، نامه‌ی تنسر، کتیبه‌ی شاپور در کعبه‌ی زرتشت و جز این‌ها استنباط می‌شود، ایشان اعقاب خود را به هخامنشیان می‌رساندند و خود را میراث‌دار آن‌ها معرفی می‌کردند (Shahbazi, 2001: 59-60)؛ برخی از محققان نیز معتقدند که میراث هخامنشی در آثار فرهنگی ساسانیان نظیر نقشه و سبک معماری آن‌ها نیز کرد یافته است (Roaf, 1998: 2).

اردشیر پاپکان (بنیانگذار این امپراتوری) که از نوادگان ساسان، موبد آتشکده‌ی آناهیتا در شهر استخر بود، هنگامی که سرکردگی نظامی اردوان پنجم اشکانی را برعهده داشت، در فارس علم استقلال برافراشت. هدف و شعار وی درمورد اینکه چرا بر ولی‌نعمت خود شوریده است این بود که "تا جهان را یک‌خدایی کنم" (تنسر، 1311: 4 و 50). اردشیر پس از چهارده سال نزاع با نود ملوک‌الطوایف اشکانی که پادشاه آن‌ها اردوان بود، توانست «یک‌خدایی» را تأسیس کند و شاهنشاه شود (همان: 50 [تحشیه‌ی هفتم]). بدین ترتیب، بنیان حاکمیت این سلسله بر وحدت مذهبی، استوار شد که خود تأمین‌کننده‌ی وحدت سیاسی و بزرگ‌ترین پشتیبان ایشان بود. نخستین اقدام ایشان، گردآوری اوستا به‌منظور یکپارچه‌سازی مذهبی توده‌های پراکنده‌ی مردمی بود که در حکومت‌های ملوک‌الطوایفی سلوکیان و اشکانیان شکل یافته بودند (Wiesehöfer, 1986: 375-376; محمدی، 1374: 31). اوستا خود راهنمای اصلی موبدان ساسانی در استقرار نوعی سازمان اجتماعی فراگیر بود (Kellens, 2011: 32-33). تقسیم مردمان به طبقاتی که هرکدام موظف به "خویش‌کاری" بودند، نوعی انضباط را بر زندگی آن‌هایی که در قلمرو فلسفی و فرهنگی دین زرتشت جای داشتند، حاکم می‌ساخت (Karimian, 2008: 100). این سلسله‌مراتب اجتماعی که به‌تدریج در قالب طبقاتی پنج‌گانه تأیید شد (شکل 1)،

آنچنان استوار گشت که در تنظیم سازمان فضایی شهرهای ساسانیان نیز کاملاً منعکس شده است (Karimian 2010: 453-466).



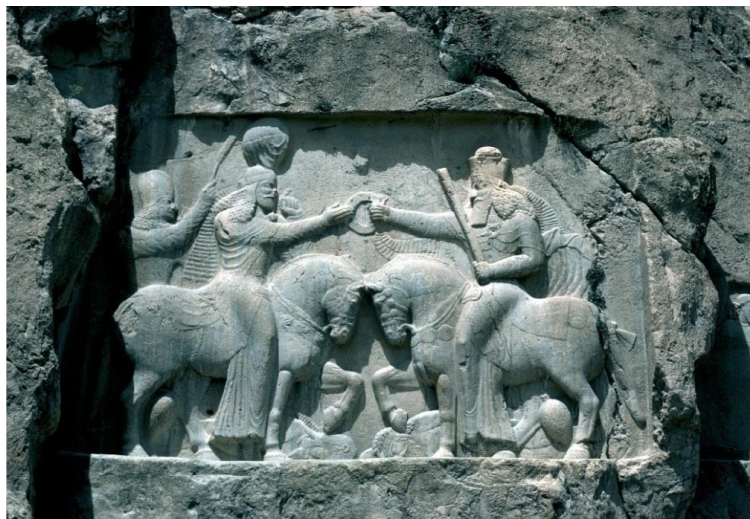
شکل 1. سازمان اجتماعی ایران در عهد ساسانی (کریمیان، 1386: جدول 1)

آنچنان که کریستینسن معتقد است، نخستین نظام مذهبی که در ایران به صورت منسجم شکل گرفت، دین و آیین<sup>39</sup> زرتشت بود (کریستینسن، 1388: 100). در واقع، اعلام رسمیت دین زرتشت<sup>40</sup> نه تنها پریشانی حاصل از هجوم اسکندر را سامان می‌بخشید، بلکه به محرکی نیرومند در جهت تقویت اندیشه‌های جهانی‌سازی تبدیل شده بود.<sup>41</sup> شایان ذکر است که به‌کارگیری قدرت حاکمیت سیاسی در اعمال سازمان اجتماعی مورد حمایت روحانیان زرتشتی بر جامعه‌ی ایرانی، موجبات نارضایتی اقشاری از اجتماع را فراهم می‌ساخت. این مخالفت‌ها که گاه در قالب قیام‌هایی همچون قیام مانی و مزدک کرد می‌یافت، به تدریج زمینه‌ی سقوط ساسانیان را فراهم می‌ساخت؛ به دلیل اینکه پرداختن به این موضوع ممکن است رشته‌ی بحث را از هم بگسلد، آن را به نوشتاری دیگر موکول می‌سازیم.

امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی سازی: ... \_\_\_\_\_ حسن کریمیان و همکار

شاهان ساسانی همواره، خود را به منبع آفرینش مرتبط می‌ساختند و در تلاش بودند تا از مذهب برای مشروعیت بخشیدن حکومت خود بهره جویند؛ به‌عنوان مثال، در نقش برجسته‌ی اردشیر اول در نقش رستم، شاه در حال دریافت حلقه‌ی قدرت از سمبل اهورا مزدا نشان داده شده که در واقع، دریافت نشان حکومتی الهی است (شیپمان، 1383) (شکل 2). شواهد دیگر چنین اندیشه‌ای - که شاه نژاد خود را به ایزدان رسانده و سعی بر الهی نشان دادن فلسفه‌ی قدرت خود داشت - را می‌توان در کتیبه‌های به‌جای مانده از این دوران نیز یافت. برای نمونه، در بخشی از متن کتیبه‌ی شاپور اول در کعبه‌ی زرتشت آمده است: «... من هستم خداوندگار مزداپرست شاپور شاهنشاه ایرانیان و غیر ایرانیان، زاده‌ی خدایان، پسر خداوندگار مزداپرست اردشیر شاهنشاه ایرانیان زاده‌ی خدایان، نوه‌ی خداوندگار بابک شاهزاده‌ی آسمانی ...» (سامی، 1388 جلد نخست: 47).

در متن این کتیبه، شاه ساسانی نه تنها خود را یکتاپرست و زاده‌ی خدایان و نماینده‌ی مطلق آن‌ها در زمین معرفی می‌کند، بلکه نوه‌ی شاهزاده‌ی آسمانی و شاهنشاه غیرایرانیان نیز می‌داند. چنانچه این عبارات را در کنار هدف شاه برای یک‌خدایی کردن جهان قرار دهیم، تردیدی نمی‌ماند که اندیشه‌ی جهانی سازی تمامی کرانه‌های تفکر پادشاهان ساسانی را اشغال کرده بود.



شکل 2. نقش برجسته‌ی اردشیر اول (سمت چپ) در حال تاج‌ستانی (با دریافت حلقه‌ی قدرت) از اهورا مزدا (سمت راست) - نقش رستم فارس. (برگرفته از Huff, 2004: Fig. 8)

به‌علاوه، کاربرد مستمر از نقش آتشدان در پشت سکه‌های تمامی شاهان ساسانیان (شکل 3) بیش از هر چیز نشان‌دهنده‌ی حاکمیت دستورهای زرتشت بر تمامی ابعاد زندگی ساکنان سرزمین اهورایی است. از آنجایی که سکه‌ها بیشتر از هر مصنوع دیگری در روابط بین‌المللی (از طریق تجارت) به‌کار گرفته می‌شدند، می‌توانستند نقش بی‌بدیلی را برای انتقال عقاید زرتشت به اقصا نقاط دنیای باستان ایفا کنند.



شکل 3. سکه‌ی اردشیر اول ساسانی (224-241 م.) که بر پشت آن آتشدانی نقش شده است (سرفراز و آورزمانی، 1387: تصویر 4، شماره‌ی 23)

در میان آثار فرهنگی بازمانده از این دوره، نمودهای فراوان دیگری را می‌توان ملاحظه کرد که تلاش ساسانیان به‌منظور اشاعه‌ی عقاید و مفاهیم فلسفی - اساطیری آن‌ها در گستره‌ی گیتی را نشان می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه، در برخی از ظروف ساسانی، هنرمندان نماد الهی آناهیتا و اسطوره‌ی خیر و شر را به تصویر کشیده‌اند و این اسطوره را به دیگر نقاط جهان انتقال داده‌اند (موسوی کوهر و یسن‌زاده، 1390: 172-173؛ 129: Moussavi Kouhpar and Taylor, 2008).

یکی از نمودهای جهانی‌شدن، تصویب قوانین جهان‌شمولی است که ابنای بشر را به‌طور یکسان دربرگیرد. اگرچه ریشه‌های این اندیشه‌ها را در دعوی پیامبران بزرگ الهی می‌توان جست‌وجو کرد<sup>42</sup>، حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان غربی بیشتر کوشیده‌اند تا مبانی حقوق بشر را در رساله‌ها و کتب حقوقی یونان و روم باستان و غرب بجویند نمایند و در

امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی‌سازی: ... \_\_\_\_\_ حسن کریمیان و همکار

این مورد، کمتر به تمدن‌ها و قوانین مدنی شرق باستان توجه شده است. آن‌ها افرادی نظیر سولون<sup>43</sup> (558-640 پ.م)، پلوتارک<sup>44</sup>، افلاطون (428-348 پ.م)، ارسطو (384-322 پ.م)، گایوس (110-160 م) ژوستینین، امپراتور روم شرقی، (482-565 م) و برخی دیگر را به‌عنوان پایه‌گذاران حقوق انسانی نام برده‌اند (مالوری، 1383). حال آن‌که قوانین ایران باستان سرشار از اندیشه‌های بشردوستانه‌ای است که به‌طور مستقیم از دین زرتشت الهام می‌گرفت<sup>45</sup>. باوجودی که ظهور زرتشت به پیش از ساسانیان بازمی‌گردد، مصادیق خارجی دستورهای دینی او در دوره‌ی ساسانی تجلی عینی یافته است. رعایت و توجه به حقوق بشر را با اندکی تأمل می‌توان در دوران پادشاهی ساسانیان پیگیری کرد. پادشاهان ساسانی این موضوع را درک کرده بودند که موضوع حقوق بشر اساساً با منافع بین‌المللی مرتبط می‌شود؛ از این‌رو با نگاهی بر آثار برجای‌مانده از ساسانیان - نظیر نقش‌برجسته‌های دومین پادشاه این سلسله (شاپور اول) - درمی‌یابیم که ایشان با مراعات حقوق انسان‌ها، ولو هنگامی که اسیر شده‌اند (شکل‌های 4 و 5)، سعی بر نهادینه‌کردن این رفتار مدنی و انسانی داشته‌اند. یکی از این صحنه‌ها مربوط به پیروزی شاپور اول بر والرینوس امپراتور روم است (شکل 4). در این جنگ، شاهنشاه ایران پس از فتح شهرهای سوریه از جمله انطاکیه و کاپادوکیه، در نزدیکی الرها، والرینوس را شکست داد و وی را به همراه هزاران نفر از سپاهیان‌ش به اسارت در آورد. به دستور شاپور برای نشان دادن این پیروزی عظیم بر امپراتور مقتدر غرب، نقش‌برجسته‌هایی بر صخره‌های سنگی فارس حجاری شد. همان‌گونه که در شکل شماره‌ی 4 دیده می‌شود، شاه با حفظ احترام امپراتور اسیرشده‌ی روم، تنها میچ او را به نشانه‌ی اسارت در دست راست خویش گرفته است<sup>46</sup>. در پشت سر شاه، نقش کرتیر، موبد بزرگ زرتشتی، دیده می‌شود تا رفتار شاهنشاه با دشمنان اسیرش توسط عالی‌ترین مقام مذهبی کشور نیز تأیید شود. به‌تصویرکشیدن رفتارهای انسان‌دوستانه‌ی پادشاه در نقش‌برجسته‌ها نیز می‌توانست به تبلیغ و ترویج این مباحث در جوامع آن روزگار کمک کند.



شکل 4. نقش برجسته‌ی پیروزی شاپور اول بر دو امپراتور روم: والرین که شاپور دست وی را به‌عنوان اسیر با دستان خود گرفته است و فیلیپ عرب که در مقابل او زانو زده است. در گوشه سمت راست نیز نیم‌تنه‌ی فوقانی موبد بزرگ کرتیر مشاهده می‌شود - نقش رستم فارس (Herrmann, 1969: Pl. VIIA)

در نقش برجسته‌ی مهم دیگری که پیروزی شاپور اول بر گردیانوس امپراتور روم را نشان می‌دهد (شکل 5)، شاهنشاه ایران در حال نوازش کردن سردار اسیرشده‌ی رومی است که برخی آن را والرین می‌دانند (برای اطلاعات بیشتر درمورد این نقش برجسته بنگرید به Herrmann, 1969: 87-88). اگرچه در تشخیص پادشاه، اختلاف نظرهایی بین محققان است، صرف‌نظر از نام او، نقش برجسته، الهام‌بخش رفتار اخلاق‌مدارانه‌ای است که شاهنشاه ساسانی نسبت به رقیب قدرتمند رومی از خود نشان می‌دهد. تردیدی نیست که این رفتار نیز در قالب دیدگاه جهان‌وطنی جای می‌گیرد، که یکی از مبانی اصلی آن اخلاقیات است. نقش برجسته، همچنین تعلیم و تبلیغ رفتاری مدنی از سوی شاه ساسانی به ساکنان این سرزمین است.



شکل 5. نقش برجسته‌ی پیروزی شاپور اول که در زیر پاهایش گردیانوس امپراتور روم دیده می‌شود؛ سناتورها و افسران رومی در مقابل شاه ایستاده‌اند که یکی از آن‌ها زانو زده است و شاپور برسر یکی از آن‌ها دست نوازش کشیده است (Herrmann, 1969: Fig. 10)

علاوه بر شواهد فرهنگی ملموس، منابع مکتوب بازمانده از عصر ساسانیان نیز در تشخیص اندیشه‌های سیاسی آنان راه‌گشا خواهد بود. اوستا<sup>47</sup>، دینکرد، بُندهشن، دادستان دینیک، شکند گمانیک ویچار، مینوی خرد، ارداویراف‌نامه، زادسپرم، شایست و ناشایست از کتب مذهبی ساسانیان هستند که درباره‌ی تفکرات انسان نسبت به هستی و هم‌نوعانش مطالبی را در خود جای داده‌اند. از این میان، اوستا را می‌توان دایره‌المعارفی از مباحث مذهبی، فلسفی و حکمی، طب و نجوم به حساب آورد (Kellens, 2011: 32-33). به‌علاوه، کتب غیرمذهبی نظیر کارنامه‌ی اردشیر پاپکان، شهرهای ایران، آیین‌نامه، گاهنامه، نامه‌ی تنسر، درخت آسوریک و داستان خسرو کواتان ریدک، یادگار زرایران و نمونه‌های بسیار دیگری را - که در آن‌ها به شرح حال شاهان، شرح جنگ‌ها، فلسفه، هنر، ورزش، شهرهای ایران، تشکیلات دولت و سیاست‌های کشورداری پرداخته شده است (سامی، 1388 - جلد نخست: 148-144) - نیز مفید

خواهند بود. بی‌تردید اطلاق نام «یرانشهر» که برای اولین بار در منابع مکتوب ساسانی به سرزمین‌های تحت حاکمیت شاهان این سلسله نهاده شده است را نیز می‌توان شاهدی بر تلاش آن‌ها در اجرای اندیشه‌ی جهانی‌سازی محسوب داشت. در اوستا واژه‌ی «یران»، به‌عنوان «نام سرزمین اسطوره‌ای آریاییان» آمده است که در دوران اردشیر پاپکان، به‌صورت اسم بر جغرافیای زیر حاکمیت ساسانیان گذاشته شد. مفهوم «یرانشهر» و «یران»، پیش‌تر کاربردی مذهبی داشته و سپس شکلی سیاسی به خود گرفته و در مفهوم مجموعه‌ای جغرافیایی از سرزمین‌ها به‌کار رفت (Daryae, 2008).

## 5. نتیجه‌گیری

موضوع مورد بحث در این نوشتار، روشن ساختن ساخت که امپراتوران ساسانی، فرمانروایانی مقتدر بودند که با بهره‌گیری از تعالیم الهی زرتشت، اندیشه‌ی جهان‌وطنی و جهانی‌شدن در دنیای باستان را به منصفی ظهور گذاشتند. انتخاب آیین زرتشتی به‌عنوان دین رسمی در زمان ساسانیان، سبب شد که در پی وحدت سیاسی، وحدت دینی ایران نیز تضمین شود و دین زرتشت توانست با اتکا به قدرت سیاسی، ساختار اجتماعی ساکنان این سرزمین را نیز در قبضه‌ی خود درآورد. تأکید حاکمیت سیاسی بر اجرای دقیق سازمان اجتماعی مورد حمایت روحانیان زرتشتی، سبب به ظهور نارضایتی‌هایی در کشور شد، که این مبحث را به نوشتاری دیگر واگذار خواهیم کرد. اگرچه هم‌زمان در روم نیز اندیشه‌ی جهان‌وطنی توسط رواقیون شکوفا شده بود، این ساسانیان بودند که درحد فاصل قرن دوم تا ششم میلادی با انگاره‌ی وحدت سیاسی - مذهبی اندیشه‌های جهانی‌سازی را عملی ساخته و به اجرا درآوردند. شواهد باستان‌شناسانه، که گاه در این نوشتار به آن استناد شد، نشان می‌دهد که فرمانروایان ساسانی با استفاده از نمادها و سمبل‌هایی بر روی سکه‌ها، مهرها، ظروف، منسوجات، معماری و دیگر مواد و آثار فرهنگی سعی بر انتقال پیام و آشنا نمودن دیگر ملل با جهان‌بینی، اساطیر و اندیشه‌های فلسفی خود داشته‌اند.

همانطور که آورده شد، یکی از ابزارها و عوامل اصلی برای عملی نمودن اندیشه‌ی جهان‌وطنی، مذهب و اخلاق‌مداری است. نقش برجسته‌های مورد مطالعه، کتیبه‌ها و دیگر



امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی‌سازی: ... \_\_\_\_\_ حسن کریمیان و همکار

مدارک مکتوب تأیید نمودند که ساسانیان با اسرای خود رفتاری بزرگ‌منشانه و انسانی داشته‌اند. این‌گونه رفتار علاوه بر تبیین روحیه‌ی والا و فرهنگ‌مدار، بیانگر انتقال اندیشه‌های اخلاق‌مدارانه در این دوره و تبلیغ این‌گونه رفتارهای انسانی است و از مبانی اصلی اندیشه‌ی جهان‌وطنی به‌شمار می‌آید. این شواهد آشکارا بیانگر وجود اندیشه‌ی جهان‌وطنی در دوره‌ی ساسانی است. تأکید بر این اندیشه را در کتیبه‌های برجای مانده از شاهان ساسانی که خود را زاده ایزدان و شاهنشاه ایرانیان و غیرایرانیان معرفی می‌کنند، قابل پیگیری است.

به‌علاوه، همانگونه در این این نوشتار، بحث شد، ادیان توحیدی، به‌ویژه آن‌هایی که دارای کتاب داشته‌اند - را می‌توان شکل‌های آغازین اندیشه‌ی جهانی‌شدن دانست؛ زیرا در ذات خود مؤثرترین عوامل در ایجاد تفکرات جهان‌وطنی و به‌وجود آمدن جهانی واحد از دیدگاه فضایل اخلاقی و فرهنگ را دارند. این اندیشه، که رسمی‌شدن دین زرتشت به‌نحو مؤثری می‌تواند در ایجاد جهان‌وطنی تأثیرگذار باشد، قطعاً به‌صورت آگاهانه از سوی شاهان ساسانی، فیلسوفان و اندیشمندان مذهبی و سیاسی این دوره (نظیر تنسر، کرتیر، آذربد مهراسپندان، بزرگ‌مهر، مهرنرسه و برخی بزرگان دیگر) تعقیب شد. هرچند که شواهد باستان‌شناسی و تاریخی، بیانگر تأکید ساسانیان بر اندیشه‌ی جهان‌وطنی دینی بر بنیان وحدت سیاسی و وحدت مذهبی است، درک فلسفه‌ی چرایی این موضوع که زرتشتی‌گری به‌عنوان دین رسمی انتخاب شد و با تفکرات فلسفی جهان‌وطنی شکوفاشده در امپراتوری روم توسط رواقیون چه ارتباطی داشته است، نیازمند جست‌وجوی بیشتر در منابع مکتوب باقی مانده از دوره‌ی ساسانیان است که خود نوشتاری دیگر می‌طلبد.

**سپاس‌گزاری:** از اساتید گرانقدر دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، آقایان دکتر عالم و دکتر متقی به‌سبب راهنمایی‌ها و معرفی منابع و ایده‌های مرتبط با این نوشتار صمیمانه سپاس‌گزاریم. همچنین از خانم مصلی، مسئول کتابخانه‌ی مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برای در اختیار قرار دادن منابع و همراهی نویسندگان، تشکر می‌کنیم.

## پی‌نوشت‌ها

1. Andre Gunder Frank
2. Graham Thompson
3. Roland Robertson
4. Robert H. Jackson
5. Global
6. Globalize
7. Globalism
8. Globalization
9. avid Held
10. McGrew
11. Robert Keohane
12. 4. Josef Nye
13. Ohmae
14. Kent Waltz
15. Robert Gilpin
16. Stephen Krasner
17. Graham Thompson
18. Samir Amim
19. Immanuel Wallerstien
20. Anthony Giddens
21. Martin Albrow
22. Jan Aart Scholte
23. Internationalization
24. Liberalization
25. Westernization
26. Deterritorialization
27. Elizabeth King
28. Transference
29. Transformation

30. Transcendence

31. Hegemony: این واژه به معنای سلطه، برتری و تفوق است.

32. اندیشه جهان‌وطنی (Cosmopolitanism) پس از به قدرت رسیدن اسکندر - با دیدگاه امپراتوری‌سازی - باعث از بین رفتن استقلال دولت شهرهای یونان - در چارچوب مدینه‌ی آزاد - شد. در این دیدگاه، شهرهای آزاد و دولت‌شهرها در یک کل بزرگ‌تر مستهلک شدند.

33. Cosmopolitanism

34. World Government

35. Thomas Luckmann

36. نحله‌ای از تفکر فلسفی یونان باستان است که توسط زنون اهل کیتیون جزیره‌ی قبرس (342-270 پ.م) بنیان‌گذاری شد. فلسفه‌ی رواقیون به‌طور کلی، این بوده است که دانا (خردمند) باید در شهر زندگانی کند؛ اما شهر او محدود به دیوار و مرز نیست و این شهر خدایی که حقیقت و دادگری در آن فرمانروایی می‌کند، خود جهان است؛ جهان شهر خداست و خردمند باید بکوشد حق و دادگری در این شهر برقرار شود (پبین، 1377: 228-230).

37. رواقیون نیز همانند زرتشتیان به خدای یگانه‌ای که در آتش ازلی نمایان می‌شد، عقید، داشتند. آتشی که از آن، همه‌چیز جهان و از جمله روان انسان، که به عقیده‌ی برخی از آن‌ها جاودانی است، به‌وجود آمده است (پبین، 1377: 228-230).

امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی سازی: ... حسن کریمیان و همکار

38. وجود آتشکده‌ی نیمه چلیپا در محوطه‌ی نوشیجان تپه در پانزده کیلومتری غرب ملایر، که متعلق به عصر مادهاست، نشان دهنده‌ی این واقعیت است که دین زرتشت در سده‌های آغازین هزاره‌ی اول پ.م رونق داشته است (Stronach and Roaf, 2007: 55).
39. آیین به شیوه‌ی مناسب و مطلوب و راه و روشی که به شیوه‌ای خاص و از پیش تعیین شده انجام می‌شود، گویند (انوری، 1381 (جلد یکم): 200-201). دکتر معین نیز در فرهنگ لغت خویش، شریعت، مذهب و کیش راه هم‌معنی با آیین می‌داند (معین، 1381: 45).
40. شاید بتوان انتخاب دین مسیحیت به‌عنوان دین رسمی توسط کنستانتین کبیر پادشاه روم را از عوامل موثر در رسمیت دین زرتشت دانست (ثلاثی، 1380: 15-16).
41. شایان ذکر است که در مدت بیش از چهارقرن حکمرانی این سلسله پیروان مذاهبی نظیر زوروانیان، کیومرثیان، مانویان، مزدکیان، بوداییان، برهمنان، اهل نصارا و یهودیت نیز در ایران ظاهر گشتند (بایر ناس، 1382). و گاه، آن‌گونه که در کتیبه کرتیر - موبد بزرگ زرتشتی - در فارس آمده است مورد آزار و اذیت نیز قرار گرفتند، (بنگرید به کولسینف، 2537: 226-227؛ دریایی، 1381: 147؛ Daryaei, 1999: 159-160؛ موسوی، 1374: 98 و صدیقی، 1376: 81).
42. برای نمونه، قوانینی که خداوند بر حضرت موسی (1500 یا 1300 پ.م) نازل نموده و وی در اسفار پنج‌گانه آن‌ها را برای قوم بنی‌اسرائیل تشریح کرده است، یکی از قدیم‌ترین متون در ارتباط با حقوق انسان‌ها است (مالوری، 1383: 20).
43. ایشان به عنوان بنیان‌گذار مردم‌سالاری شناخته شده است.
44. در کتاب "حیات مردان نامی" به جنبه‌های مختلف زندگی ایشان پرداخته شده و از او به عنوان پایه‌گذار حقوق انسانی در غرب نام برده شده است.
45. مبانی حقوق عهد ساسانی، کتاب اوستا و تفاسیر آن و اجماع «نیکان»، یعنی مجموعه فتوای علمای زرتشتی بوده‌اند. به‌منظور انطباق مقررات مدنی و جزایی اوستا با نیازهای جامعه، پادشاهان با صدور فرامین و وضع مقررات آن‌ها را بهبود می‌بخشیدند (احمدی، 1346: 94). علاوه بر اوستا، ماتیکان هزار دایستان را می‌توان یکی از منابع اصلی حقوق مدنی و جزایی دوره ساسانی به‌شمار آورد (کریستینسن، 1388: 218).
46. شاید واژه‌ی میج‌گیری که امروزه در ادبیات فارسی معمول است نیز به‌معنای تسلیم کردن و سلطه بر فرد مقابل به‌کار می‌رفته است.
47. اوستا از قدیم‌ترین کتب مذهبی پس از تورات و ریگ‌وداست که به‌وسیله‌ی تنسر، موبد بزرگ زمان اردشیر اول، گردآوری شد و در زمان شاپور دوم، اوستای جمع‌آوری‌شده زیر نظر موبد بزرگ آذربُد مهراسپندان تأیید شد (کریستینسن، 1388: 100).

## منابع

### الف) منابع پارسی

- احمدی، اشرف (1346). قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.

جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره 6، شماره 3، پاییز و زمستان 1393

- افتخارزاده، محمودرضا، ناث، ر، گلدزیهر (1371). **اسلام در ایران؛ نهضت مقاومت ملی ایران علیه امویان و عباسیان**. مترجمان محمودرضا افتخارزاده و محمدحسین عضدانلو. چاپ اول. تهران: مؤسسه‌ی نشر میراث‌های تاریخی ایران و اسلام.
- انوری، حسن (سرویراستار) (1381). **فرهنگ بزرگ سخن**. هشت مجلد. تهران: انتشارات سخن.
- بایرناس، جان (1382). **تاریخ جامع ادیان**. ترجمه‌ی علی‌اصغر حکمت. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پین، ژان (1377). «لوگوس». **مجله‌ی نقد و نظر**. سال چهارم، شماره‌ی سوم و چهارم: صص 226-241.
- پروین، خیرالله (1387). «حقوق بشر و تأثیر آن بر حاکمیت ملی دولت‌ها». **فصلنامه‌ی حقوق**. مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره‌ی 38، شماره‌ی 4: صص 111-135.
- ترنر، برایان (1385). «فضیلت جهان‌وطنی؛ دین در عصر جهانی‌شدن». ترجمه‌ی مجتبی کرباسچی، حمید پورنگ و حامد حاجی حیدری. **مجله‌ی راهبرد یاس**. شماره‌ی 8: صص 205-240.
- تنسر (1311). **نامه‌ی تنسر هیربدان هیربذ اردشیر پاپکان به جُشنَسف شاه و شاهزاده‌ی پدشخوارگر (فدشوارگر)**. ترجمه از پهلوی به عربی بقلم ابن مقفع. ترجمه از عربی به فارسی بقلم ابن اسفندیار. به‌سعی و تحقیق مجتبی مینوی. تهران: مطبعه‌ی مجلس.
- ثلاثی، محسن (1380). **جهان ایرانی و ایران جهانی**. چاپ دوم. تهران: انتشارات نشر مرکز.
- جکسون، رابرت اچ. (1388). «تکامل جامعه‌ی بین‌المللی». در **جهانی‌شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه‌ی تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)**. به کوشش جان بیلیس و استیو اسمیت. ترجمه‌ی ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: صص 93-124.

- امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی سازی: ... \_\_\_\_\_ حسن کریمیان و همکار
- رمضانزاده، عبدالله و حیدرعلی مسعودی (1388). «جستاری نظری پیرامون جهانی شدن و امپراتوری سازی و رابطه‌ی دو مفهوم». فصلنامه‌ی سیاست. مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی 39، شماره‌ی 2: صص 109-128.
  - رنجبریان، امیرحسین (1373). «تأملی بر حقوق بشر». راهبرد. شماره‌ی 4: صص 137-164.
  - زرین کوب، عبدالحسین و روزبه زرین کوب (1381). تاریخ ایران باستان (4): تاریخ سیاسی ساسانیان. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
  - دریایی، تورج (1381). سقوط ساسانیان. ترجمه‌ی مسعود اتحادیه (نظام مافی) و فرحناز امیرخانی حسینکلو. تهران: تاریخ ایران.
  - دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (1351). اشکانیان. ترجمه‌ی کریم کشاورز. چاپ دوم. تهران: انتشارات پیام.
  - سازمان نقشه‌برداری کشور (1378). اطلس تاریخ ایران. تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.
  - سامی، علی (1388). تمدن ساسانی. دو مجلد. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
  - سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آورزمانی (1387). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه. چاپ ششم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
  - سلیمی، حسین (1384). نظریه‌های گوناگون درباره‌ی جهانی شدن. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
  - شیپمان، کلاوس (1383). تاریخ شاهنشاهی ساسانی. ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی. تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی گویش.
  - شولت، جَن آرْت (1388). «جهانی شدن سیاست». در جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها). به کوشش جان بیلپس و استیو اسمیت. ترجمه‌ی ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: صص 47-90.

- صدیقی، غلامحسین (1376). جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری. چاپ اول. تهران: انتشارات پاژنگ.
- کاپلستون، فردریک (1388). تاریخ فلسفه: یونان و روم. ترجمه‌ی سید جلال‌الدین مجتبوی. جلد اول. چاپ ششم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
- کریستینسن، آرتور (1388). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه‌ی رشید یاسمی. ویراسته‌ی حسن رضایی باغبیدی. چاپ ششم. تهران: صدای معاصر.
- کریمیان، حسن (1386). «هویت کالبدی و بصری شهرهای ساسانیان». در مجموعه مقالات سومین کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی. جلد پنجم. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور: صص 539-556.
- کلارک، یان (1382). جهانی شدن و نظریه‌ی روابط بین الملل. ترجمه‌ی فرامرز تقی‌لو. تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- کولسینف، آ. ای. (2537). ایران در آستانه‌ی یورش تازیان. ترجمه‌ی محمد رفیق یحیایی. چاپ دوم. تهران: انتشارات آگاه.
- گل محمدی، احمد (1380). جهانی شدن، هویت، فرهنگ. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- گیرشمن، رومن (1379). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه‌ی محمد معین. چاپ دوازدهم. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مالوری، فیلیپ (1383). اندیشه‌های حقوقی. ترجمه‌ی مرتضی کلاتریان. تهران: نشر آگه.
- محمدی، محمد (1374). فرهنگ ایران پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی. چاپ سوم. تهران: انتشارات توس.
- محمدی ملایری، محمد (1379). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به اسلامی. جلد سوم. چاپ اول. تهران: انتشارات توس.
- مشیرزاده، حمیرا (1386). تحول در نظریه‌های روابط بین الملل. چاپ سوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- معین، محمد (1381). فرهنگ فارسی معین. به کوشش عزیزالله علیزاده. یک مجلد. چاپ اول. تهران: انتشارات ندا.

امپراتوران ساسانی پیشگامان جهانی سازی: ... حسن کریمیان و همکار

- موسوی، ابوالحسن (1374). «بحثی پیرامون برخی از علل انقراض دولت ساسانی». *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره‌ی دهم، شماره‌ی 2: صص 103-98.
- موسوی کوهپر، سیدمهدی و حمیده یسن‌زاده (1390). «بازتاب نمادین ایزد مهر بر ظروف مدالیون ساسانی (با تکیه بر اسطوره گیاه زاینده)». *پژوهش‌انسان‌شناسی ایران*. سال 1، شماره‌ی 2: صص 183-163.
- نفیسی، سعید (1383). *تاریخ تمدن ایران ساسانی*. به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر.
- والرشتاین، امانوئل (1377). *سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپلتیک و ژئوکالچر)*. ترجمه‌ی پیروز ایزدی. تهران: نشر نی.
- Appiah, K. A. (1997). "Cosmopolitan Patriots". *Critical Inquiry*. Vol. 23. No. 3. Pp. 617-639.
- Appiah, K. A. (2010). *Cosmopolitanism: Ethics in a World of Strangers (Issues of Our Time)*. WW Norton.
- Albrow, M., & King, E. (Eds.). (1990). *Globalization, Knowledge and Society: Readings from International Sociology*. SAGE Publications Limited.
- Amin, S. (1993). "The Ancient World System Vs. The Modern Capitalist World System". [In:] *The World System Five Hundred or Five Thousand*. A. G. Frank (ed.). New York: Routledge.
- Amin, S. (1996). "The Challenge of Globalization". [In:] *Review of International Political Economy*. Vol. 2.
- Bartelson, J. (2000). "Three Concepts of Globalization". *International Sociology*. Vol. 15. No. 2. Pp. 180-196.
- Bledsoe, R., Boczek, B. (1987). *The International Law Dictionary*. ABC, Cho, California.
- Chase-Dunn, C. (2003). "Globalization from Below: Toward a Collectively Rational and Democratic Global Common wealth". *Globalization: Critical Perspectives*. Pp. 29-53.

- Daryaei, T. (1999). *The Fall of the Sasanian Empire and the End of Late Antiquity: Continuity and Change in the Province of Persis*. Ph.D Dissertation in History, University of California. Los Angeles.
- Daryaei, T. (2008). "The Political History of Ērānšahr (224-651 CE)". *e-Sasanika*. No. 2. Irvine: University of California.
- Frank, A. G. (1998). *Reoriented: Economic Globalization in Asian Age*.
- Frank, A. G., & Thompson, W. R. (2006). "Early Iron Age economic expansion and contraction revisited". *Globalization and Global History*. Pp. 139-162.
- Gamble, A. (1995). "The New Political Economy". *Political Studies*, Vol. 43. Issue 3. Pp. 516-530.
- Harvey, D. (1989). *The Condition of Post Modernity*. Oxford, Black well.
- Held, D. (1999). *Global Transformations: Politics, Economics and Culture*. Stanford University Press.
- Held, D. (2002). "Cosmopolitanism: Ideas, Realities and Deficits". *Governing globalization*. Pp. 305-324.
- Held, D., McGrew, A. (2007). "Introduction: Globalization at Risk?". [In:] *Globalization Theory: Approaches and Controversies*. David Held and Antony McGrew (eds.). Cambridge: Polity Press.
- Herrmann, G. (1969). "The Darabgird Relief: Ardachir or Shahpur? A Discussion in the Context of Early Sasanian Sculpture". *Iran*. Vol. 7. Pp. 63-88.
- Huff, D. (2004). "Iran in Sasanian and Medieval-Islamic Period". [In:] *Persiens Antike Pracht*. Pp. 416-439.
- Karimian, H. (2008). "Iranian Society in the Sasanian period". [In:] *Current Research in Sasanian Archaeology, Art and History*. Kennet, D & L Paul (eds.). UK. BAR International Series 1810. Pp. 99-106
- Karimian, H. (2010). "Cities and Social Order in Sasanian Iran-the Archaeological Potential". *Antiquity*, Antiquity Publication Ltd, Vol. 84. Issue 324. Pp. 453-466.



- Keall, E. J. (1994). “How Many Kings did the Parthian King of Kings Rule?”. *Iranica Antiqua*. Vol. 29. Pp. 253-272.
- Kellens, J. (2011). “AVESTA: the Holy Book of the Zoroastrians”. [In:] *Encyclopaedia Iranica*. E. Yarshater (ed.). Vol. III. Fasc. 1. Pp. 35-44.
- Luckmann, T. (1988). “Religion and Modern Consciousness”. *Zen Buddhism Today*. Vol. 6. Pp. 11-22.
- Moussavi Kouhpar, M., Taylor, T. (2008). *A Metamorphosis in Sasanian Silverwork: The Triumph of Dionysos*. Oxford: Durham University.
- O'Rourke, K. H., & Williamson, J. G. (2002). “When did Globalisation Begin?”. *European Review of Economic History*. Vol. 6. No. 1. Pp. 23-50.
- Neusner, J. (1963). “Parthian Political Ideology”. *Iranica Antiqua*. Vol. 3. Pp. 40-59.
- Roaf, M. (1998). “Persepolitan Echoes in Sasanian Architecture: Did the Sasanian Attempt to Recreate the Achaemenid Empire?”. [In:] *The Art and Archaeology of Ancient Persia*, V. Sarkhosh-Curtis et al. (eds.). London. Pp. 1-7.
- Robertson, R. (1992). *Globalization: Social Theory and Global Culture*. Vol. 16. SAGE Publications Limited.
- Shahbazi, A. Sh. (2001). “Early Sasanians' Claim to Achaemenid Heritage”. *Name-ye Iran-e Bastan*. Vol. 1. No. I. Pp. 62-73.
- Stronach, D. & M. Roaf (2007). *The Major Buildings of the Median Settlement*. London.
- Thompson, G. (1999). “Introduction: Situating Globalization”. *International social science Journal*. Vol. 51. No. 160. Pp. 139-152.
- Whight, M. (1977). “The States-System of Hellas”. [In:] *Systems of States*. M. Whight (ed.), Leicester, Leicester University Press. Pp. 46-72.
- Wiesehöfer, J. (1986). “ARDAŠĪR I i. History”. [In:] *Encyclopaedia Iranica*. E. Yarshater (ed.).